

خونین شهر در اشغال ...

علی اکبر بهشتی



می‌کند .
با وجود محاصره کامل ، رزمندگان در اوایل شب موفق به بیرون راندن مهاجمان از فرمانداری و برطرف کردن چند ساعته تسلط دشمن از روی پل می شوند . دشمن با ادامه حملات خود ، در اواخر شب ، مجدداً فرمانداری را به اشغال در می آورد و برای کامل کردن اشغال شهر ، بلا تلاش خود را به مسجد جامع نزدیک می کند . دو سه گروه از بچه های شهر و نیرو های اعزامی به مقاومت ادامه می دهند و عده ای از نیروهای باقیمانده در شهر سعی می کنند به شیوه های مختلف از شهر خارج شوند .

در صبح روز سوم آبان ۵۹ ، مسجد جامع تقریباً سقوط می کند و عراقیها به ۳۰ متری مسجد می رسند . همه شهر تخلیه می شود و نیرو های مهاجم به طرف پل می آیند . در ساعت سه و نیم بامداد چهارم آبان ، از اتاق جنگ خبر می آورند که دستور رسیده شهر را تخلیه کنید چون می خواهند شهر را بمباران کنند . عده ای از بچه ها در مقابل این تصمیم مقاومت می کنند و در شهر می مانند . باقیمانده نیروها با قایق از کارون عبور می کنند تا خود را نجات دهند . در ساعت ۷ صبح ، عده دیگری از بچه ها که به لب شط رسیده بودند ، از کارون عبور می کنند . عده ای از بچه ها که از جریان تخلیه شهر خبر ندارند ، در شهر پراکنده اند . نیروهای مهاجم به در محور ۴۰ متری تا فلکه شهدا می رسند . بچه ها در کوچه نزدیک مسجد امام صادق (ع) موضع می گیرند و با نیروهای عراقی درگیر می شوند . به جز اطراف پل و فرمانداری ، دیگر خبری از درگیری نیست . دستور عقب نشینی صادر می شود . خبر عقب نشینی برای مدافعان بسیار ناگوار است . گروهها و مدافعان دیگری در شهر هستند که از دستور عقب نشینی اطلاعی ندارند . اما سرانجام با اتمام مهمات ، در حدود ساعت ده صبح روز چهارم آبان ، بخش اشغال شده خرمشهر را ترک می کنند . هنگام خروج مدافعان از شهر ، مهاجمان پل و اطراف پل را به شدت زیر انواع آتش خود می گیرند و چند نفر هنگام عبور از پل ، مجروح یا شهید می شوند ... سرانجام در چهارم آبان ۵۹ ، اشغال خرمشهر که رزمندگان نزدیک به دو ماه نبرد و تلاش شبانه روزی کوشیدند تا از تجاوز دشمن به آنجا جلوگیری کنند ؛ کامل می شود ؛ اما حماسه آفرینان خرمشهر می روند تا با خلق حماسه ای دیگر ، خونین شهر را از چنگال دشمن رهایی بخشند .

مستقیم تانکها و تیربارهای آنها ، مقاومت نیروهای اندک و بدون پشتیبان مردمی را درهم بشکنند . سرانجام دشمن می تواند پس از سی و سه روز نردی در پی و اجرای طرحهای متعدد و تلفات بسیار ، خود را به ساختمان فرمانداری برساند و بر خرمشهر مسلط شود .
با استقرار نیروهای دشمن در ساختمان فرمانداری و ساختمانهای اطراف آن ، مهاجمان کاملاً بر پل تسلط می یابند و رفت و آمد ، انتقال مجروحان و رساندن مهمات به بچه ها غیر ممکن می شود . حتی عبور از کارون با بلم و قایق به سادگی میسر نمی شود ، زیرا کارون زیر آتش خمپاره های دشمن قرار گرفته است .
دشمن با برخورداری از نفرات زیاد و تجهیزات بسیار و پشتیبانی کامل ، با هم جرئت پیشروی به سوی پل را ندارد و تلاش می کند با تمرکز آتش روی پل و نقاط احتمالی حضور

دستور عقب نشینی صادر می شود . خبر عقب نشینی برای مدافعان بسیار ناگوار است . گروهها و مدافعان دیگری در شهر هستند که از دستور عقب نشینی اطلاعی ندارند . اما سرانجام با اتمام مهمات ، در حدود ساعت ده صبح روز چهارم آبان ، بخش اشغال شده خرمشهر را ترک می کنند . هنگام خروج مدافعان از شهر ، مهاجمان پل و اطراف پل را به شدت زیر انواع آتش خود می گیرند و چند نفر هنگام عبور از پل ، مجروح یا شهید می شوند ...

رزمندگان ، باقیمانده نیروهای مردمی را به شهادت برساند یا مجبور به ترک شهر کند .
در پی استقرار نیروهای دشمن در فرمانداری خرمشهر و تسلط بر پل ، خبر اشغال خرمشهر در بغداد منتشر می شود و خبرگزاری عراق در بعد از ظهر ، این خبر را رسماً مخابره

در روز سی ام مهر ماه سال ۱۳۵۹ ، علاوه بر یگانهایی که به قوای مهاجم پیوسته بودند ، تیپ ۱۱۲ مرزی عراق وارد منطقه شد و تحت امر نیروهای "محمدره" قرار گرفت و موظف شد در مناطق اشغالی و متصرفه ، پشت نیروهای پیشرو مستقر شود . همچنین در روز ۵۹/۸/۱ نیروهایی از جیش الشعبی و گارد مرزی به منطقه خرمشهر وارد شدند و به قوای دشمن پیوستند . طرح هجوم نهایی قوای عراقی به خونین شهر ، از اولین دقایق بامداد دوم آبان ماه ۱۳۵۹ اجرا شد . با آغاز هجوم سنگین و پیشروی عراقیها ، نیروهای مدافع در خیابان آرش برای جلوگیری از پیشروی دشمن با تمام وجود ایستادگی می کردند . بچه ها که تعداد آنها حدود ۴۰ نفر بود ، در ادامه مقاومت ، با فشار سنگین دشمن ، از نظر مهمات در محاق قرار می گیرند و بای میسیم درخواست مهمات می کنند ، اما انتظار بی فایده است . فشار فرماندهان عراقی به نیروهایشان در جهت پیشروی تشدید می شود و بچه ها گام به گام عقب می نشینند . گروهی دیگر از بچه ها پس از نبرد بی وقفه ۴۸ ساعته و خستگی و کوفتگی شدید ، در اوایل شب برای استراحت به مقر باز می گردند .

ساعت ۱۲ شب بی سیم به صدای آید و صدای جهان آرا به گوش می رسد : " بچه ها بیایند که شهر دارد سقوط می کند " . بچه ها شانزده نفری به سمت خیابان آرش حرکت می کنند . هوا تاریک و اوضاع چنان آشفته است که خودی از غیر خودی قابل تشخیص نیست . بچه ها که از فرط خستگی توان ادامه کار را ندارند ، در حدود ساعت ۴ صبح به ساختمان فرمانداری برمی گردند . در ساختمان فرمانداری هنوز چشم بچه ها بسته نشده که با صدای تیراندازی مهاجمان ، متوجه حضور دشمن در نزدیکی خود شده و با آن ها درگیر می شوند . عراقیها برای پیشروی سماجت می کنند . بچه ها با تیرباری که روی ساختمان فرمانداری نصب شده است به مقابله با مهاجمان ادامه می دهند . طولی نمی کشد که تانکهای دشمن از خیابان عشاری وارد می شوند و محل استقرار بچه ها را زیر گلوله مستقیم می گیرند . مهم ترین هدف مهاجمین بستان پل است . نیروهای محاصره شده در میدان فرمانداری برای خروج از محاصره تلاش می کنند .

برای شکستن مقاومت در خیابان آرش و ساختمان فرمانداری و فلکه فرمانداری ، یگان زهی دشمن از خیابان عشاری به سوی فلکه فرمانداری به حرکت در می آید تا با به کار گیری